

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال پنجم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۸

خروج از نُرْم تشبیه در شعر سبک خراسانی

(ص ۱۰۶ - ۸۹)

مجید دادفر، حمیدرضا سلمانی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱/۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

یکی از ویژگی‌های تکرار شونده سبک خراسانی در حوزه بلاغت، محسوس بودن طرفین تشبیه است. این مسئله به حدی در این سبک رواج دارد که در واقع تبدیل به الگوی نُرْم تشبیه در سبک خراسانی شده است؛ بنابراین خروج از این نُرْم، از دو منظر سبک‌شناسی و ادبی دارای اهمیت خواهد بود. از دیدگاه سبک‌شناسی به دلیل خلاف انتظار بودن و از منظر ادبی به دلیل آشنایی‌زدایی و ایجاد تنوع در عنصر شکلی تشبیه. این پژوهش با تمرکز بر یکصد تشبیه نخست سیزده تن از شاعران مشهور این سبک، درصد خروج از نُرْم را در هر یک از این شاعران به دست داده است. نتایج بررسی این جامعه آماری نشان می‌دهد میانگین خروج از نُرْم تشبیه در این دوره، حدود نه درصد است. این درصد - با در نظر گرفتن برخی احتیاط‌ها - می‌تواند معیاری باشد برای بررسی سایر شاعران سبک خراسانی. افزون بر این بررسی سبک‌شناسانه و نتایج آن، بخشی از این پژوهش نیز به برخی مباحث نظری جدید در مورد مشبّه به عقلی و تقسیم‌بندی آن اختصاص یافته است.

کلمات کلیدی

سبک‌شناسی، سبک خراسانی، تشبیهات حسی، مشبّه به عقلی، خروج از نُرْم

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چمران اهواز

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران Hr.salmani@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسئله

یکی از الگوهای تکرار شونده سبک خراسانی در حوزه بلاغی (و بطور مشخص عناصر بیانی)، محسوس بودن طرفین تشبیه است. این الگو به حدی در این دوره با بسامد بالا دیده میشود که تبدیل به آشکارترین ویژگی سبک دوره، در این حوزه شده است. البته باید خاطر نشان کرد که معقول بودن مشبه نیز مطابق نرم این دوره است و از تئوری تشبیه تبعیت میکند^۳ این باره رک. بیان، شمیسا: ص ۷۵)

بسامد بالای تشبیهات حسّی-حسّی در این دوره، موجب شده است این الگو به عنوان نرم و هنجار متون این سبک شناخته شود. بر همین اساس علمای بلاغت قدیم که این الگو را بعنوان مدل اصلی تشبیه میدانستند، در مقابل نوآوریها موضعگیری میکرده‌اند. از جمله داوری ایشان درباره ازرقی که با معقول کردن مشبه‌به‌ها از نرم سبکی خارج شده بود مشهور است (رک. وطواط، حدائق السحر: ص ۴۲، شمس قیس، المعجم: ص ۲۴۶)

هنگامی که نرم (Norm) تشبیه در سبک خراسانی مدل محسوس/معقول ← محسوس باشد، هرگونه خروج از این نرم موجب نشاننداری متن خواهد شد. این خروج از نرمها از دو جنبه سبک‌شناسانه و ادبی قابل بررسی هستند. از منظر سبک‌شناسی و با توجه به دیدگاه «ریفاتر» که خلاف انتظارات یا انتظارات برنیامده (Defeated expectancy) را مختصه سبکی میداند (بیان، شمیسا: ص ۱۴۷) این تشبیهات برجستگی سبکی دارند. بر این اساس خواننده هنگام خواندن متونی از دوره خراسانی انتظار دارد که مطابق نرم، با تشبیهی مواجه شود که مشبه‌به آن حسّی است، و هرگاه در پی تشبیهات خارج از مدل اصلی (حسّی-عقلی یا عقلی-عقلی) این انتظار برآورده نشود و خواننده با موردی خلاف آن مواجه شود، مختصه‌ای سبکی بوجود خواهد آمد. از منظر ادبی نیز این نوع تشبیهات به دلیل آشنایی‌زدایی (De-Familiarization) و نیز ایجاد تنوع در عنصر شکلی تشبیه، ارزش شکلی و ادبی خواهند داشت. یعنی هنگامی که، تکرار الگوی «محسوس/معقول ← محسوس» در متون این سبک به فراوانی مشاهده شود، تبدیل به عادت متنی میشود. بنابراین خروج از این پیش نمونه، موجب آشنایی‌زدایی از متن و نیز تنوع در الگوی تشبیهات خواهد شد که از منظر ادبی قابل بررسی است.

پژوهش حاضر، نمونه‌ایست در جهت تبیین نرم تشبیه در سبک خراسانی و خروج از نرمها در این دوره. برای این منظور، ابتدا کیفیت تشبیهات این دوره در جامعه آماری مورد نظر (۲-۲) بر اساس معقول یا محسوس بودن مشبه‌به تبیین شده، سپس در مورد هر یک از نمونه‌های جامعه آماری بطور جداگانه و به تفصیل سخن رانده میشود تا روشن شود

کدام یک از این شاعران به نسبت سایرین، با تغییر الگوی تشبیه، شعر خود را نشاندار کرده است. به عبارت دیگر تعداد بالای مشبّه‌به‌های عقلی در شعر هر کدام از شاعران سبک خراسانی، نشان می‌دهد که وی در این زمینه پیشتر عدول از هنجار (Deviation from the norm) داشته و در هنگام خوانش شعر وی، انتظار سبکی دوره برآورده نمیشود. ضمن اینکه از این طریق، با به دست دادن معیاری محسوس در مورد میانگین تشبیهات خارج از نُرم دوره، امکان داوری در مورد سایر شاعران، که در جامعه آماری این پژوهش بررسی نشده‌اند، نیز فراهم میشود.

۱-۲- پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه سبک خراسانی انجام شده است؛ در برخی از آنها نیز بطور مختصر در مورد کیفیت تشبیهات آن بحث شده است. هر چند در بیشتر این پژوهشها، معمولاً در مورد ویژگیهای زبانی این سبک سخن گفته شده و کمتر به مختصات فکری و ادبی پرداخته شده است (رک. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۴۹) به هرروی از تألیفات قابل توجه در این زمینه، میتوان به دوره سه‌جلدی «سبک‌شناسی» تألیف ملک‌الشعرا بهار اشاره کرد که نویسنده در جای‌جای کتاب و هنگام بحث از متون گوناگون، ویژگیهای زبانی آنها را بیان کرده است. محمدجعفر محجوب نیز در کتاب «سبک خراسانی در شعر فارسی» با دقت خاص، تمام ویژگیهای این دوره را - بویژه از منظر زبانی - استخراج کرده است. (برای سایر پژوهشهای زبانی رک. منبع پیشین: همانجا) نیز محمدرضا شفیع‌کدکنی در «صور خیال در شعر فارسی» به‌گونه مشخص به شعر این دوره پرداخته و تحول صور خیال آن را بررسی کرده است. همچنین سیروس شمیسا در سبک‌شناسی شعر و ویژگیهای تشبیه این دوره را یادآور شده است. در کنار همه این پژوهشها، در بیشتر تألیفات مربوط به بلاغت فارسی نیز در این مورد سخن گفته شده و محسوس بودن طرفین - به‌ویژه مشبّه‌به - تشبیه از ویژگیهای تشبیهات این دوره دانسته شده است. این گفتار به‌صورت سنتی درآمده که در غالب کتابهای مربوط به بلاغت تکرار شده است (برای نمونه رک. وطواط، حدائق‌السحر، ص ۴۲؛ شمس قیس، المعجم: ص ۳۴۶؛ همایی، فنون بلاغت و صناعات ادبی: ص ۲۳۲؛ شمیسا، بیان: ص ۷۴)

با وجود این، پژوهشی که بطور مستقل و از طریق بررسی یک جامعه آماری، به بحث درباره نُرم تشبیه در سبک خراسانی و نیز خروج از نُرمهای سبکی این دوره در حوزه تشبیهات پرداخته باشد، در دست نیست. هرچند در برخی دانشگاهها نیز رساله‌هایی در مورد تشبیه در شعر شاعران این دوره انجام شده، اما به دلیل پرداختن به جامعه آماری

محدود(معمولاً یک‌شاعر)، معناداری خاصی ندارند و نمیتوان از مطالعه آنها به نتایج متقن و قابل تعمیم به سایر متون دوره دست یافت.

۲- بحث و بررسی

پیش از ورود به بحث آمار تشبیهات عقلی سبک خراسانی و بررسی شاعران مورد نظر، لازم است بحث نظری کوتاهی در مورد مشبّه‌به‌های عقلی-که نوعاً در دوره مورد بحث خروج از نرّم به‌شمار می‌آیند- و تقسیم‌بندی آنها انجام شود تا بدینوسیله دیدگاه روشن‌تری در مورد این نوع مشبّه‌به‌ها و دلایل این تقسیم‌بندی به دست داده شود.

۲-۱- مشبّه‌به‌های عقلی

براساس تعریف علمای بلاغت، «عقلی» در اصطلاح علم بیان سنتی هر چیزی است که با یکی از حواس خمسّه قابل درک نباشد، همچنین در این دیدگاه، مراد از امور حسی، امور است که با یکی از حواس پنجگانه ظاهری قابل دریافت و بطور کلی محسوس و قابل درک باشد. (بیان، شمیسا: ص ۷۴)

با تأمل در حوزه مشبّه‌به‌های عقلی میتوان این گونه مشبّه‌به‌ها را نیز بر اساس نوع عقلی بودن آن مشبّه‌به، تقسیم‌بندی کرد. در واقع میتوان گونه‌ها و شیوه‌های عقلی شدن مشبّه‌به‌ها را از هم متمایز کرد. بطور کلی دو دسته مشبّه‌به عقلی در این موارد قابل شناسایی است:

۲-۱-۱- مشبّه‌به‌هایی که ذاتاً و ماهیتاً در شمار مفاهیم انتزاعی هستند و از دایره محسوسات بیرون، مانند: جان، دل، روح، عقل، دیو و...

روز هر روزی بیفزاید چو قدر شهریار
شب‌چو عمر دشمنان او همی کمتر شود
عنصری، بیت ۲۸۹

برآمد پیلگون ابری ز روی نیلگون دریا
چورای عاشقان گردان چوطبع بیدلان شید
فرخی، بیت ۱

این مشبّه‌به‌ها به لحاظ نظری، تعداد محدودی هستند که معمولاً تکرار میشوند و در بسیاری از موارد وجه‌شبه‌های آنها نیز تکراری است و هنر شاعر در به‌کار بردن آنها در وجه شبهه است که میان این موارد و مشبّه‌ها مییابد.

۲-۱-۲- مشبّه‌به‌هایی که ذاتاً از مقوله محسوسات هستند اما طی دو فرایند تقیید و تفصیل - به شرحی که در ادامه ذکر میشود- تبدیل به مشبّه‌های عقلی میشوند.

الف- تقیید

فرایند اول مقیّد شدن مشبّه‌به‌حسی با قیدی است که مشبّه‌به‌مورد نظر همراه با آن قید در جهان خارج و دایره محسوسات ما وجود ندارد؛ مثلاً دریا مشبّه‌به‌ی محسوس است، اما وقتی دریا را مقیّد به قید «آتشین موج» کنیم دیگر در دایره محسوسات نیست و باید آن را مشبّه‌به‌عقلی (از نوع خیالی) به شمار آورد:

سودای تو بحر آتشین موج اندوه تو ابر تند خونبار
عطار: ص ۳۲۰

در نمونه زیر نیز میتوان گفت «ابر»ی با قید «بلا بار» از همین مقوله است:

ازیشان هر یکی ببر بلاجوی سر شمشیرشان ابر بلابار
عنصری، بیت ۴۶۸

توضیح اینکه تقسیم‌بندی قدما در مورد مشبّه‌به‌های خیالی و وهمی بر اساس همین فرایند بوده است. در این دو گونه هم مشبّه‌ها از نوع حسّیند، اما بسته به این که قید آنها از نوع معقول یا محسوس باشد، به گونه وهمی یا خیالی تقسیم میشوند. اگر قید مذکور محسوس باشد مشبّه‌به خیالی است:

(A) دریای قیر (مشبّه محسوس+قید محسوس)

و اگر قید در این ساختار معقول باشد، مشبّه‌به وهمی است:

(B) دندان غول (مشبّه محسوس+قید معقول)

در سنت مطالعات بلاغی، درباره این موارد-که دست‌کم مرکب از دو جزء است- میگویند: اگر دو جزء ترکیب جداگانه در جهان خارج وجود داشته باشند مشبّه‌به خیالی و اگر یکی از دو جزء وجود نداشته باشد وهمی است (رک. بیان، شمیسا: ص ۸۲)؛ براساس مدل‌های (A) و (B) مشخص میشود که تنها جزء دوم (قید) است که در این تقسیم‌بندی مؤثر است، زیرا جزء اول ترکیب همیشه در خارج وجود دارد. همچنین براساس مدلهای ارائه شده، میتوان نمونه‌ی (C) را به دست داد که در آن هر دو جزء ترکیب عقلی باشند:

(C) جان غول (مشبّه‌به معقول+قید معقول)

در نمونه‌هایی از نوع (C) نیز باید گفت که جزء «جان» در این ترکیب در خارج وجود دارد (هر چند از مقوله محسوسات نیست) و جزء دوم نه. بنابراین این مشبّه‌به نیز از گونه وهمی است.

ب- تفصیل

فرآیند دوم فرایند تفصیل است؛ این شیوه نیز میتواند از فروع شیوه نخست دانسته شود، در این فرایند نوعاً با تشبیهات حماسی (*Epic simile*) یا تفصیلی روبرو هستیم. مثلاً در مورد همان «دریا» که مشبه‌به حسی است؛ ابتدا «دریا» مشبه‌به قرار می‌گیرد، بدون اینکه قیدی از نوع آنچه در فرایند اول اشاره کردیم به آن اضافه شود. اما در مرحله بعد که طبق تئوری تشبیه حماسی، باید مشبه‌به مورد بسط قرار گیرد، با توصیفات روبرو می‌شویم که مشبه‌به را از دایره محسوسات ما خارج میکند:

عشق دریایست قعرش ناپدید آب دریا آتش و موجش گهر
گوه‌رش اسرار و هر سوری از او سالکی را سوی معنی راهبر
عطار: ص ۲۲۸

که به هر حال در این حالت نیز بخش تفصیلی ساختار تشبیه قابل تأویل به قید و صفت است: «دریای آتش‌آب، دریای گهرموج». در بیت زیر نیز، همین فرآیند دیده می‌شود (در مورد بتان مجلس سلطان):

ازیشان هر یکی همچون درختی که سیمش اصل باشد ارغوان بار
عنصری، بیت ۴۳۳

و بر این اساس ابیاتی از این دست نیز میتوانند از مقوله تشبیهات عقلی بشمار آیند:
چو از بحر دو دست او بخار اندر هوا پرد از آن زرین شود گردون و ز آن سیمین شود کشور
ازرقی، ص ۱۲، ب ۱۱

که ظاهراً مصراع دوم در حکم تفصیلی برای مشبه‌به بحر است که آن مشبه‌به را از حوزه محسوسات خارج میکند.

دو فرآیند ذکر شده از جهت اینکه رایجترین شیوه گسترش دامنه مشبه‌ها هستند، میتوانند بسیار مهم باشند. بدین معنا که بسیاری از مشبه‌هایی که در دوره‌ای حسی بوده‌اند، در دوره‌های بعد از طریق این دو فرآیند عقلی میشوند. این موضوع از یک جهت به گسترش دامنه تشبیهات کمک میکند و نوعاً موجب نوآوری میشود و از جهت دیگر - بشرط خلاقیت شاعر - همین دو روش میتواند مانع تکرار در مشبه‌ها شود که در حالت فرضی ایده‌آل، میتواند در سبک شخصی شاعر مؤثر باشد.

بنابر موارد ذکر شده میتوان نتیجه گرفت که تنها گروه اول مشبه‌ها بواقع معقولند و سایر مشبه‌ها از طریق دو فرآیند یاد شده بوجود می‌آیند. برخی از شاعران بیشتر از دسته اول بهره می‌گیرند، اما برخی دیگر با دستکاری در مشبه‌های حسی از طریق دو فرآیند بالا،

مشبّه‌به‌های معقول جدیدی به‌دست می‌دهند. شاید مجموع این موارد در تعیین سبک خاص شاعر در تشبیهات نیز مفید فایده باشد.

در مورد مشبّه‌به‌های عقلی نکته دیگری نیز قابل ذکر است و آن اینکه گاهی تشخیص حسی یا عقلی بودن مشبّه‌به اندکی دشوار می‌شود؛ زیرا مفهوم مشبّه‌به مورد نظر می‌تواند با مصداق آن دو مقوله متفاوت حسی و عقلی باشد. مثلاً فردوس و کوثر به این اعتبار که گونه‌ای باغ و رود هستند، حسینند، به عبارت دیگر این موارد، مفهوماً حسینند، اما از دیدگاه مصداقی - بهشت و چشمه‌ای در بهشت - باید آنها را عقلی دانست.

۳- پژوهش حاضر

در این پژوهش بخشی از متون مهم دوره خراسانی از دیدگاه ساختار تشبیهی آنها بررسی شده‌اند تا از این طریق نخست صحت و سقم گزاره «نَرم تشبیهات در سبک خراسانی محسوس - محسوس است» آزموده شود و دیگر آنکه در پایان معیاری از میانگین داده‌های متون مورد بررسی به دست داده شود تا بعنوان قاعده‌ای عام در باره این متون و متون مشابه قابل بهره‌برداری و استناد باشد.

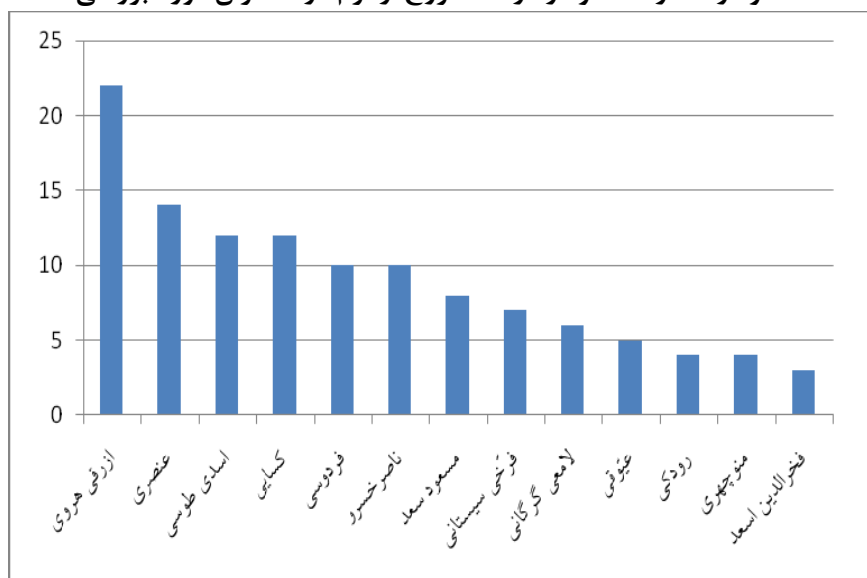
۳-۱- جامعه آماری مورد بررسی

جامعه آماری پژوهش حاضر، همه اشعار سبک خراسانی است؛ نیز نمونه مورد بررسی دیوان سیزده تن از شاعران شاخص سبک خراسانی است. از سوی دیگر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با جایگذاری، یکصد تشبیه نخست هر یک از دواوین را استخراج کرده‌ایم؛ بدین صورت که دیوان هر شاعر را تا جایی بررسی کرده‌ایم که به یکصد تشبیه مورد نظر برسیم و پس از تکمیل شدن نمونه‌ها، مطالعه را متوقف نموده‌ایم. توضیح اینکه در منظومه‌ها (ویس و رامین، ورقه و گلشاه، شاهنامه و گرشاسپ‌نامه) این بررسی از آغاز داستان انجام شده و به دلیل برخی ملاحظات ادبی، مقدمه این مثنویها در این بررسی حذف شده است.

جدول شماره ۱- تعداد تشبیهات معقول در نمونه‌های مورد بررسی

ردیف	A	B	C	D	E	F	G	H
	نام شاعر	تعداد ابیات بررسی شده	تعداد مشبه به عقلی (در ۱۰۰ تشبیه)	درصد مشبه به عقلی (خروج از نرم)	درصد مشبه به حسی (مطابق نرم)	میانگین تشبیه در واحد بیت ۱۰۰	فاصله از میانگین تشبیه سبکی	پراکندگی تشبیهات در واحد بیت
1	ازرقی	۲۵۶ بیت	۲۲ مورد	۲۲ %	۷۸ %	۳۹	+۹	2.56
2	عنصری	۴۸۵ بیت	۱۴ مورد	۱۴ %	۸۶ %	۲۰	-۱۰	4.85
3	اسدی	۶۳۰ بیت	۱۲ مورد	۱۲ %	۸۸ %	۱۵.۸	-۱۴	6.30
4	کسای	۱۴۹ بیت	۱۲ مورد	۱۲ %	۸۸ %	۶۷	+۳۷	1.49
5	فردوسی	۵۶۱ بیت	۱۰ مورد	۱۰ %	۹۰ %	۱۷.۸	-۱۳	5.61
6	ناصر خسرو	۳۵۷ بیت	۱۰ مورد	۱۰ %	۹۰ %	۲۸	-۲	3.57
7	مسعود سعد	۱۵۸ بیت	۸ مورد	۸ %	۹۲ %	۶۳	+۳۳	1.58
8	فرخی	۵۷۴ بیت	۷ مورد	۷ %	۹۳ %	۱۷.۴	-۱۳	5.74
9	لامعی	۲۹۴ بیت	۶ مورد	۶ %	۹۴ %	۳۴	+۴	2.94
۱۰	عیوقی	۶۶۹ بیت	۵ مورد	۵ %	۹۵ %	۱۴.۹	-۱۵	۶.۶۹
۱۱	رودکی	۴۸۴ بیت	۴ مورد	۴ %	۹۶ %	۲۰.۶	-۹	4.84
۱۲	منوچهری	۲۹۷ بیت	۴ مورد	۴ %	۹۶ %	۳۳.۶	+۴	2.97
۱ ۳	فخرالدین - اسعد	۵۱۴ بیت	۳ مورد	۳ %	۹۷ %	۱۹.۴	-۱۱	5.14

نمودار شماره ۱: نمودار درصد خروج از نَرم در شاعران مورد بررسی



۳-۲- تبیین داده‌های آماری

الف- نتایج حاصل از مطالعه بطور خلاصه در جدول شماره ۱ آمده است. ستون B نشان میدهد که در دیوان هر یک از شعرا میبایست چه تعداد بیت را بررسی نموده تا به یکصد تشبیه رسید، بعنوان مثال با مطالعه ۱۴۹ بیت در دیوان کسایی به یکصد تشبیه مورد نظر رسیده‌ایم، اما در دیوان عیوقی با بررسی ۶۶۹ بیت یکصد تشبیه را استخراج کرده‌ایم. جمع ستون B معادل ۵۴۲۸ بیت میشود که نمونه پژوهش حاضر را تشکیل میدهد. یعنی جامعه آماری مورد استناد در مجموع ۵۴۲۸ بیت خواهد بود.

ب- یکصد تشبیه استخراج شده به دو دسته تقسیم میشود: تشبیهات حسی و تشبیهات عقلی. ستون C تعداد مشبهبه عقلی را در یکصد تشبیه مذکور و بدنبال آن ستونهای D و E بترتیب درصد مشبهبه عقلی و حسی را در همان واحد یکصد بیتی نشان میدهد؛ نمودار شماره ۱ نیز که بر اساس داده های ستون C طراحی شده، همین آمار را در شعر هر کدام از شاعران بصورت نمودار ستونی بدست میدهد.

ج- برای اینکه بتوان به معیاری برای مقایسه دوآوین رسید، میانگین تشبیه بکار رفته در واحد یکصد بیت را برای هر شاعر در ستون F بدست داده‌ایم. بعنوان مثال کسایی در هر یکصد بیت بطور میانگین از ۶۷ تشبیه استفاده کرده و عیوقی نیز در هر بیت یکصد بیت بطور میانگین ۱۵ تشبیه بکار برده است. میانگین تشبیه بکار رفته در واحد یکصد بیت در

بین سیزده شاعر مورد بررسی، سی تشبیه و انحراف معیار نمونه شانزده تشبیه است. حال میتوان بازه‌ای را بصورت $(\bar{X} \pm \delta)$ به ازای تشبیهات بکار رفته در سبک خراسانی تعریف کرد (\bar{X} بیانگر میانگین تشبیهات بکار رفته در نمونه مورد بررسی و δ انحراف معیار تشبیهات بکار رفته نمونه را نشان میدهد) که عبارتست از ۱۴ تا ۴۶. بدین معنا که در سبک خراسانی حداقل ۱۴ و حداکثر ۴۶ تشبیه در هر واحد یکصد بیتی بکار میرود و اگر بخواهیم دیوان شاعری را که خارج از نمونه‌های این بررسی است را از این دیدگاه مطالعه کنیم، میتوانیم میانگین تشبیهات بکار رفته در یکصد بیت آن را بر اساس بازه فوق بسنجیم. بنابراین این بازه میتواند معیاری قابل تعمیم برای سایر متون نظم دوره خراسانی نیز باشد و حتی میتوان گفت با بررسی شاعرانی از سبکهای دیگر از منظر تشبیه میتوان در مورد آنها داوری کرد و شیوه‌های آنها را در کاربست تشبیه، با سبک خراسانی سنجید.

د- برای تعیین بازه تشبیهات عقلی در سبک خراسانی نیز میتوان الگوی فوق را ترسیم کرد. بدین معنا که با توجه به فرمول پیش گفته، بازه مشابه‌های عقلی در این دوره عدد پنج تا سیزده تشبیه عقلی در واحد یکصد تشبیه است، ضمن اینکه بر این اساس میانگین اینگونه تشبیه در سبک خراسانی نه است، یعنی بطور متوسط در متون این سبک در واحد یکصد بیت، نه مورد مشابه عقلی به کار رفته است. این آمار میتواند در بررسی سایر متون سبک خراسانی و نیز متون سایر سبکها کاربرد داشته باشد.

ه- ستون G فاصله از میانگین تشبیه سبکی را نشان میدهد، این ستون در واقع بیانگر اینست که میزان استفاده از تشبیه در هر کدام از شاعران تا چه میزان از میانگین تشبیه سبکی (بر اساس پژوهش حاضر: ۳۰ تشبیه رک. توضیحات بخش ج) فاصله دارد. برای نمونه در پژوهش حاضر کسایی با ۳۷+ بیشترین میزان استفاده از تشبیه را نسبت به میانگین سبک دارد. یعنی ۳۷ مورد بیشتر از حد انتظار سبکی (۳۰ مورد)، از تشبیه بهره برده است و از سوی دیگر عیوقی با ۱۵- کمترین میزان استفاده از تشبیه را نسبت به میانگین سبک دارد و ۱۵ بار کمتر از حد انتظار در واحد یکصد بیت از تشبیه استفاده کرده است.

توضیح ۱: بر اساس ستون B میتوان نتیجه گرفت که فشردگی تشبیه در شعر کدام یک از شاعران مورد بررسی بیشتر است؛ هر چه تعداد ابیات در این ستون کمتر باشد، نشان‌دهنده تشبیه‌گرایی شاعر مورد نظر است. ستون پایانی (H) داده‌های همین بخش را بصورت پراکندگی آنها در واحد بیت بیان میکند. مثلاً کسایی و فرخی هر کدام به ترتیب در هر ۱/۴۹ و ۵/۷۴ بیت از یک تشبیه استفاده کرده‌اند، این امر نشان میدهد کسایی در مقایسه با فرخی - و به تناسب، در مقایسه با سایرین - بیشتر به استفاده از تشبیه تمایل دارد.

بطور کلی در میان قصیده‌سرایان، تفاوت مسعود سعد و کسای با سایرین معنادار است، همین وضعیت در میان مثنوی‌سرایان نیز در مورد فخرالدین‌اسعد دیده میشود.

توضیح ۲: بر اساس آمار ستون C، میانگین استفاده از مشبّه‌به عقلی در متون مورد بررسی نه بار است ($9 = 13 \div 117$). بنابراین ناصر خسرو و فردوسی با ده تشبیه معقول نزدیکترین فاصله را با میانگین دارند، نیز مسعود سعد با هشت نمونه، دارای همین ویژگیست. به همین ترتیب شاعرانی که پایینتر از این دو قرار گرفته‌اند، بیشتر منطبق با اصل حسی بودن مشبّه‌به در تشبیهات سبک خراسانیند و انتظار سبکی را برآورده میکنند، در این گروه فخرالدین‌اسعد گرگانی بیشترین فاصله را با میانگین دارد و بنابراین منطبق‌ترین شاعر بر الگوی کلی تشبیه در سبک دوره خود است. همچنین شاعران بالاتر از مسعود سعد، گروهی هستند که کم و بیش از هنجار سبک دوره در زمینه تشبیه عدول کرده‌اند. براساس آمار ستون C، ازرقی هروی با ۲۲ تشبیه معقول، بیشترین خروج از نَرم تشبیهات دوره را داشته است؛ این خروج از نَرم به دو دلیلی که پیشتر گفته شد (خلاف انتظار بودن و آشنایی‌زدایی) دارای ارزش سبکی و ادبی است. دقت در آمار این ستون بخوبی میتواند دلیل موضعگیری برخی از اصحاب بلاغت را در باره ازرقی هروی نشان دهد؛ چنانکه مشهور است و ما نیز پیشتر بدان اشاره کردیم - قدما شیوه ازرقی را در ساخت تشبیهات نمیپسندند. دلیل این امر آن است که وی نسبت به نَرم دوره، بسیار بیشتر از مشبّه‌به‌های عقلی استفاده کرده است. آمار ارائه شده در بالا میتواند جالبتر نیز بشود، زیرا وقتی که یکصد تشبیه دوم دیوان ازرقی را هم بر همین منوال بررسی کنیم میبینیم که در واحد ۲۴۷ بیت، ۴۱ تشبیه عقلی آورده است، یعنی میانگین تشبیهات عقلی در دیوان وی در واحد دویست بیت، حدود ۳۲ درصد است.

۲-۳- تشبیهات عقلی شاعران مورد بررسی

پس از بررسی آماری کمیّت خروج از نَرم در شاعران سبک خراسانی، برخی از نمونه‌های این تشبیهات عقلی را به ذکر میکنیم. بررسی جداگانه و کامل این تشبیهات در شعر شاعران زیر، میتواند نشان دهد که هر شاعر بیشتر از چه نوع مشبّه‌به‌های عقلی استفاده کرده است. آیا بیشتر از مفاهیم ذاتاً انتزاعی (← ۲-۱-۱) استفاده کرده یا به ساختن مشبّه‌به‌های معقول از طریق دو فرآیند تقیید و تفصیل (← ۲-۱-۲) توجه داشته است.

۲-۳-۱- ازرقی هروی

- خنجر ← جهل؛ ناوک ← دانش

بسر بر خنجر بران چو جهل اندر سر نادان
بدل در ناوک پران چو دانش در دل دانا
ازرقی: ص ۳، بیت ۱۰

- برکه ← جان خردمند؛ طبع سخنور

یکی برکه ژرف در صحن بستان
چو جان خردمند و طبع سخنور
ازرقی: ص ۱۵، بیت ۲

- آن (قصر) ← جان؛ دانش

ز پاکي چو جان و ز خوبی چو دانش
ز صفوت هوا وز لطافت چو آذر
ازرقی: ص ۱۵، بیت ۴

سایر نمونه‌ها: ص ۳- ب ۱۰ (۲ مورد)؛ ص ۵- ابیات ۶، ۱۱ و ۱۵؛ ص ۷- ب ۱؛ ص ۱۲-
ب ۱۵، ۱۷ (۳ مورد)؛ ص ۱۵- ب ۳، ۷، ۹ (۲ مورد)، ۱۹ (۲ مورد)

۲-۳-۲- عنصری

- تیر ← مرگ پرّنده

مرگ پرّنده خوانمش به نبرد
نی نخوانم که مرگ را پر نیست
عنصری: ص ۲۰، بیت ۲۳۶

- روز ← قدر شهریار؛ شب ← عمر دشمنان

روز هر روزی بیفزاید چو قدر شهریار
شب چو عمر دشمنان او همی کمتر شود
همان: ص ۲۴، بیت ۲۸۹

- روی او ← حجّت یزدان؛ موی او ← حجّت اهریمن

بس نیاید تا بروشن روی و موی تیره‌گون
مانوی راحجّت یزدان و اهریمن شود
همان: ص ۲۲، بیت ۳۶۴

سایر نمونه‌ها: ص ۲۹- ب ۳۳۲؛ ص ۳۲- ب ۳۶۵ (۲ مورد)؛ ص ۳۳- ب ۳۷۱ و ۳۷۲؛
ص ۳۶- ب ۴۰۹ (۲ مورد)؛ ص ۳۸- ب ۴۳۳؛ ص ۴۰- ب ۴۶۸

۲-۳-۳- اسدی طوسی

- جم ← پری

گریزان همی شد جم اندر جهان
پریوار گشته ز مردم نهان
اسدی: ص ۲۲، بیت ۱۰

- رخ نار ← دل مهربان

رخ نار با سبب شنگرف‌گون بدان زخم تیغ و بدین رنگ خون
یکی چون دل مهربان گفته پوست یکی چون شخوده زنخندان دوست
همان: ۲۶، بیت ۹۹ و ۱۰۰

سایر نمونه‌ها: ص ۲۲-ب ۱۶؛ ص ۳۸-ب ۹؛ ص ۴۲-ب ۷۸؛ ص ۴۲-ب ۳(۳ مورد)؛
ص ۴۳-ب ۱۸؛ ص ۵۳-ب ۶۴؛ ص ۵۳-ب ۶۶؛ ص ۵۵-ب ۵

۲-۳-۴- کسایی مروزی

- صحرا ← فردوس

باد صبا در آمد فردوس گشت صحرا و آراست بوستان را نیسان بفرش دیبا
کسایی: ص ۳۴، بیت ۱

- عالم ← بهشت؛ صحرا ← روی حورا

عالم بهشت گشته عنبر سرشت گشته کاشانه زشت گشته صحرا چو روی حورا
همان: ص ۳۵، بیت ۱۶

- لب و چشم تو ← راحتی و بلا؛ رخ و زلف تو ← توبه و گناه

به لب و چشم راحتی و بلا به رخ و زلف توبه‌ای و گناه
همان: ۳۸، بیت ۴۹

سایر نمونه‌ها: ص ۳۴-ب ۱۱؛ ص ۴۸-ب ۴۸؛ ص ۴۹-ب ۱۲۸؛ ص ۴۹-ب ۱۳۳(دو مورد)

۲-۳-۵- فردوسی

- سروش ← پری پلینگه پوش

یکایک پیامد خجسته سروش بسان پرییی پلنگینه پوش
فردوسی: ج ۱، ص ۲۳، بیت ۲۶

- وی ← جان

چو جان بر دل هر کسی بود دوست نماز شب و روزه آیین اوست
همان: ص ۲۶، بیت ۲۳

- وی ← دانش

جهان را چو باران به بایستگی روان را چو دانش به شایستگی
همان: ص ۶۲، بیت ۱۱۲

سایر نمونه‌ها: ص ۷۲- ب ۲۷۷ و ۲۷۸؛ ص ۹۲- ب ۴۳؛ ص ۱۰۰- ب ۱۷۹؛ ص ۱۰۲- ب ۲۱۱؛ ص ۱۰۳- ب ۲۱۶؛ ص ۱۰۳- ب ۲۲۳.

۲-۳-۶- ناصر خسرو قبادیانی

-تو ← هاروت

چو هاروت از توانستی که اینجا آبی از گردون
از اینجا هم‌توانی شد برون چون زهره زهرا
ناصر خسرو: قصه ۱، بیت ۱۶

-تو ← عنقا

با هر کس منشین و مبر از همگان نیز
بر راه خرد رو نه مگس باش و نه عنقا
همان: قصه ۲، بیت ۱۶

-جهان ← دیو

دیویست جهان صعب و فریبنده مر او را
هشیار و خردمند نجستست همانا
همان: قصه ۲، بیت ۲۴

سایر نمونه‌ها: ق ۵- ب ۲۴؛ ق ۵- ب ۲۸ (۲ مورد)؛ ق ۷- ب ۴؛ ق ۷- ب ۴۷؛ ق ۸- ب ۳۲ (۲ مورد)

۲-۳-۷- مسعود سعد سلمان

- چرخ ← اژدها (دو بار)

گشت اژدهای جان من این اژدهای چرخ
بر من نهاد روی و فرو برد سر بسر
ورچه صلاح رهبر من بود چون عصا
نیرنگ و خاطر و طبعم چو اژدها
مسعود سعد: ص ۱، بیت ۷ و ۸

- تو ← عقل، روان (جمع)

عقل و روان به لطف نیابد همی ترا
گویی که عقل دیگر و دیگر روانیا
همان‌جا: بیت ۱۵

سایر نمونه‌ها: ص ۴- ب ۱۰؛ همان‌جا- ب ۱۷ و ۱۸ (۳ مورد)

۲-۳-۸- فرخی سیستانی

- ابر ← رای عاشقان، طبع بیدلان (جمع)

برآمد پیلگون ابری ز روی نیلگون دریا
چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا
فرخی: بیت ۱

– دل تو ← دریای جواهر پاش؛ کف تو ← ابر ذهب بار

تو دلی داری چو دریا و کفی داری چو ابر / زان همی پاشی جواهر، زین همی باری ذهب
همان: بیت ۸۹

سایر نمونه‌ها: ص ۱-ب ۱۰؛ ص ۶-ب ۱۰۷؛ ص ۱۳-ب ۲۵۲.

۲-۳-۹- لامعی گرگانی

– قفارها ← روزهای رضوان

چون روزهای رضوان آراسته شود / زان بارها به در و به دیبا قفارها
لامعی: ص ۵، بیت ۱۸

– وی ← ظفر

نشید این حدیث و همی راند چون ظفر / اندر رکاب صدر و سر روزگار اسب
همان: ص ۱۳، بیت ۱۳

– قصر او ← بهشت؛ روز بار او ← روز شمار

به وهم چرخ عالی قصر او خرم بهشت آید / به چشم دهر روز بار او روز شمار آید
همان: ص ۳۴، بیت ۲۱۵

سایر نمونه‌ها: ص ۱۲-ب ۷۱؛ ص ۲۳-ب ۱۴۱

۲-۳-۱۰- عیوقی

– خوی او ← بهشت

بهارست جای کجا روی او / بهشت است جای کجا خوی اوست
ازرقی: ص ۴۲، بیت ۱۱

– دو چشم ← عتیب؛ دو زلف ← نهیب

بتی بود پر ظرف و پر حسن و زیب / دو چشم از عتیب و دو زلف از نهیب
همان: ص ۴۶، بیت ۲

سایر نمونه‌ها: ص ۴۸/ب ۷؛ ص ۵۰/ب ۷

۲-۳-۱۱- رودکی

– فخر ← معما؛ همّت او ← شرح معما

همچو معماست فخر و همّت او شرح / همچو ابستااست فضل و سیرت او زند
رودکی: ص ۲۵

– تیرک خرد ← زبان در دهان حق؛ تیغ پالاک ← دندان در دهان مرگ

چه چیز است آن رونده تیرک خرد
یکی اندر دهان حق زبانت
چه چیز است آن پلالک تیغ برآن
یکی اندر دهان مرگ دندنان
همان: ص ۴۹

۲-۳-۱۲- منوچهری

- نرگس‌ها ← حوران

چو حورانند نرگس‌ها همه سیمین طبق بر سر
نهاده بر طبق‌ها بر ز زر ساو ساغرها
منوچهری: ص ۳، بیت ۲۹

- عالم ← فردوس

قوس قزح قوس‌وار، عالم فردوس‌وار
کبک دری کوس‌وار کرده گلو پر ز باد
همان: ص ۱۷، بیت ۲۳۲

سایر نمونه‌ها: ص ۱۴-ب ۲۰۱؛ ص ۱۹-ب ۲۶۱

۲-۳-۱۳- فخرالدین اسعد گرگانی

- ویس ← باغ بهشت

گهی گفתי که این باغ بهشتست
که یزدانش ز نور خود سرشتست
همان: ص ۲۹، بیت ۳۳

- تو ← جان من

ترا دارم چو جان خویشتن شاد
زمین ماه را بی بیم و آباد
همان: ص ۳۷، بیت ۷۴

- برادر ← جان

مرا چون دیده شایستست مادر
چو جان پاک بایسته برادر
همان: ص ۳۹، بیت ۳۸

نتیجه

از آنجا که یکی از الگوهای بلاغی مهم سبک خراسانی محسوس بودن طرفین تشبیه (به‌ویژه مشبّه‌به) دانسته میشود، در پژوهش حاضر به بررسی شاعران مهم این دوره از منظر کیفیت تشبیهات ایشان پرداختیم. این بررسی نشان داد که بطور میانگین ۹۱ درصد تشبیهات این دوره سبکی منطبق بر الگوی محسوس بودن مشبّه‌به است. بنابراین میانگین خروج از نُرم در این دوره ۹٪ خواهد بود که میتواند معیاری محسوس برای بررسی شعر سایر شاعران این دوره نیز باشد. براساس آمار بدست آمده، ناصر خسرو و فردوسی با ده تشبیه معقول نزدیکترین فاصله را با میانگین دارند، نیز مسعود سعد با هشت نمونه، دارای همین ویژگیست. به همین ترتیب شاعرانی که پایینتر از این دو قرار گرفته‌اند، بیشتر منطبق با اصل حسی بودن مشبّه‌به در تشبیهات سبک خراسانیند و انتظار سبکی را برآورده میکنند، در این گروه فخرالدین اسعد گرگانی بیشترین فاصله را با میانگین دارد و بنابراین منطبق‌ترین شاعر بر الگوی کلی تشبیه در سبک دوره خود است. همچنین شاعران بالاتر از مسعود سعد، گروهی هستند که کم و بیش از هنجار سبک دوره در زمینه تشبیه عدول کرده‌اند. براساس این بررسی، ازرقی هروی با ۲۲ تشبیه معقول، بیشترین خروج از نُرم تشبیهات دوره را داشته است.

منابع

۱. اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیق در زندگی و آثار او، باهتمام مهدی درخشان، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۸۲.
۲. المعجم فی معاییر اشعار العجم، رازی، شمس قیس، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات کتابخانه مجلس، تهران: ۱۳۳۰
۳. بیان، شمیسا، سیروس، چاپ سوّم از ویرایش سوّم، نشر میترا، تهران: ۱۳۸۷.
۴. حدائق السّحر فی دقایق الشعر، وطواط، رشیدالدّین، تصحیح عباس اقبال، طه‌پوری و سنایی، تهران: ۱۳۶۲
۵. دیوان ازرقی، ازرقی هروی، حکیم ابوبکر، بتصحیح و خط علی عبدالرسولی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۳۶.
۶. دیوان اشعار، ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۵۳

۷. دیوان رودکی، رودکی، جعفر بن محمد، تصحیح نصر امامی، چاپ اول، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران: ۱۳۸۶.
۸. دیوان عطار، عطار نیشابوری، فریدالدین، باهتمام و تصحیح تقی تفضلی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران: ۱۳۸۶.
۹. دیوان عنصری، عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، کتابخانه سنایی، تهران: ۱۳۶۳.
۱۰. دیوان فرخی، فرخی سیستانی، علی بن جولوق، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ چهارم، انتشارات زوار، تهران: ۱۳۷۱.
۱۱. دیوان لامعی، لامعی گرگانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ناشر؟ تهران: ۱۳۵۳.
۱۲. دیوان مسعود سعد، سعد سلمان، مسعود، تصحیح رشید یاسمی، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۶۲.
۱۳. دیوان منوچهری، منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران: ۱۳۷۰.
۱۴. سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب، محمدجعفر، چاپ اول انتشارات فردوس و جامی. تهران: بی تا.
۱۵. سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی، چاپ نهم، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۸۶.
۱۶. شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم، به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، مرکز دایره-المعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۸۸.
۱۷. صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمدرضا، چاپ نهم، تهران، نشر آگه، تهران: ۱۳۸۲.
۱۸. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، چاپ هفتم، نشر هما، تهران: ۱۳۷۰.
۱۹. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، چاپ سوم از ویرایش دوم، نشر میترا، تهران: ۱۳۸۸.
۲۰. گرشاسب نامه، اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد، باهتمام حبیب یغمایی، کتابخانه طهوری، تهران: ۱۳۵۴.
۲۱. ورقه و گلشاه، عیوقی (۱۳۶۲)، باهتمام ذبیح‌الله صفا، چاپ اول، انتشارات فردوسی، تهران: ۱۳۶۲.
۲۲. ویس و رامین، گرگانی، فخرالدین اسعد، تصحیح محمد جعفر محبوب، چاپ اول، بنگاه نشر اندیشه، تهران: ۱۳۳۷.